

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛

با تأکید بر شرق و مرکز مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۶)

جمشید رضایی^۱

چکیده

دست‌بافته‌ها یکی از نمادهای بارز فرهنگی هستند که همانند زبان، گاه گروه‌های قومی را از یکدیگر متمایز و معلوم می‌کنند که هر یک به کدام تمدن و سرزمین تعلق دارند. دست‌بافته‌های استان مازندران نیز همانند تمام نقاط ایران، واجد ویژگی زیباشناختی و مبتنی بر امکان تولید مواد اولیه‌اند. این دست‌بافته‌ها تنوع بسیاری دارند چنان که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: گلج، جاجیم، انواع روانداها و پتوها، چادرشب و ... علاوه بر تهیه مواد اولیه در منطقه، رنگ‌بندی و نقوش به کار رفته در این بافته‌ها، الهام گرفته از طبیعت و زیستگاه پیرامون بافندگان است که در طول زمان، تثبیت و تبدیل به نقش و شکلی رایج شده است. برای تهیه اطلاعات مرتبط با این دست‌بافته‌ها علاوه بر مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، از روش مشاهده میدانی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: مازندران، دست‌بافته‌ها، گلج، چادرشب، جاجیم مازندرانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی الهیات، پژوهشگر ارشد مرکز صداوسیما مرکز ساری.

مقدمه

هر چند امروزه در سراسر دنیا، صنعت نساجی به پیشرفته‌ترین فناوری‌ها مجهز شده است، هنوز هم در هر یک از استان‌های کشور، نساجی سنتی هویت خود را حفظ کرده و نساجانی هستند که با استفاده از ابزار کاری بسیار ساده و ابتدایی، منسوجاتی را با طرح‌ها و نقش‌های دلپذیر تولید می‌کنند. این صنعت، صرف‌نظر از جنبه‌های کاربردی، در تأمین نیازهای مصرفی تولیدکنندگان نیز نقش خاصی ایفا می‌کند، منسوجاتی که نقوش آنها، ملهم از ذهنیات بافندگان از محیط زندگی اطرافشان است، منبع درآمدی برای آنان محسوب می‌شود.

استان مازندران با فرهنگ و تمدن چند هزار ساله، خاستگاه مناسبی برای صنایع دستی است بر همین اساس، آثاری زیبا و جاودانه با نشئت از روح لطیف و ذوق شیرین هنرمندان مبتکر این منطقه پدید آمده است. دست‌بافته‌ها به عنوان یکی از هنرهای صنایع دستی مازندران، سابقه چند هزار ساله دارند؛ مردان و زنان این ناحیه که مایحتاج پوشش خود را خود می‌بافتند، به مرور زمان محصولات تولیدی‌شان را افزایش دادند و به فروش رساندند.

دست‌بافته‌های این استان دارای تنوع زیادی هستند برای مثال، گلیج، جاجیم، روانداز، پتو، چادرشب و لباس‌هایی که هر یک، نقوش و طراحی خاصی دارند و برگرفته از روح زیبا و هنرمندانه فرهنگ زمان خودند. در حال حاضر، بی‌توجهی به این صنعت و رشد مصرف‌گرایی به تدریج، از رونق و اهمیت آن کاسته و آن را به صورت فعلیتی جنبی درآورده که حتی در برخی موارد در حال از بین رفتن است.

احیا و تقویت صنایع دستی که در ایجاد اشتغال و رفع بیکاری نقش اساسی دارد، می‌تواند به کسب درآمد و رونق بازار بخصوص در مناطق روستایی کمک کند و حتی با تولید و فروش آن در داخل و خارج از کشور منجر به درآمدزایی برای ساکنان منطقه شود.

روند تاریخی صنایع دستی در مازندران

بومیان ساکن مازندران از ادوار کهن دریافته بودند که به مدد اندیشه و ذوق خلاق خویش می‌توانند از انواع مواد اولیه موجود در طبیعت برای مرتفع ساختن نیازمندی‌های زندگی روزمره و تهیه ابزارآلات کشاورزی، صید و شکار بهره‌گیرند. تنوع، گوناگونی و فراوانی مواد اولیه، موجبات پدیداری انواع متنوعی از ابزارآلات و ادوات را فراهم آورده است، محصولاتی که امروزه به مجموع آنها صنایع دستی گفته می‌شود.

براساس پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، سابقه و قدمت صنایع دستی در استان مازندران به پیش از میلاد مسیح می‌رسد، گواه این مدعا، کشف غار کمربند و هوتو در بهشهر و اشیای به دست آمده از آن متعلق به ۶ هزار سال پیش از میلاد است که حکایت از آگاهی مردم آن عصر از فن ریستدگی و تبدیل پشم به نخ دارد. همچنین وجود مصنوعات سنگی، سنگ‌تراشیده‌های مسی، سفال و مفرغی زرین، از نشانه‌های تولید لوازم خانگی از سوی مردم این استان در گذشته است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴)

قدمت تاریخی دست‌بافته‌های مازندران

اولین وسایل بافت در ایران از غارهای کمربند و هوتو در بهشهر مازندران به دست آمده است؛ منابع تاریخی نیز درباره مقادیر فراوانی از بافته‌های نفیس تولیدی در قرون اولیه بعد از اسلام در طبرستان - که مازندران امروزی، بخش عمده آن است - گزارش داده‌اند. علاوه بر این، آب و هوای مناسب برای تولید ابریشم، کشت الیاف کنف، کثرت دام و فراوانی، پشم همچنین نیاز مبرم مردم مناطق کوهستانی (که دو سوم کل منطقه مازندران را تشکیل می‌دهند) به پوشاک و بافته‌های گرم، موجب قدمت بافندگی و وجود دست‌بافته‌های فراوان گلیم و جاجیم، گلیج، جوراب‌ها و شده است. این بافته‌ها به دلایل خاص، از جمله قابلیت نقش‌پذیری نسبت به سایر بافته‌ها و نیز کاربرد گسترده در مناطق کوهستانی سرد که اغلب دور افتاده و در نتیجه، بکر و سنتی مانده‌اند، اهمیت

خاصی می‌یابند. نقوش متنوع و نقشمایه‌های رنگین و فراوانی که قرن‌هاست زنان روستایی ساکن در ارتفاعات در بافته‌های خود به کار می‌برند. (رضایی، ۱۳۹۷: ۲)

شاخص‌های صنایع دستی استان مازندران

استان مازندران با فرهنگ و تمدنی چند هزار ساله، فراز و نشیب بسیاری را در حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد شاهد بوده است. برخی محصولات فرهنگی و اقتصادی این خطه در طول تاریخ در میان کشورهای منطقه، شاخص و راهبردی بوده است. از جمله برنج، مرکبات، صنایع دستی چوبی، نساجی سنتی و محصولات سفال که از شهرت ویژه‌ای برخوردارند. (ملایی کندلوسی، ۱۳۸۷: ۱۴)

تنوع محصولات سنتی و صنایع دستی مازندران که از دیرباز مورد توجه همگان بوده، فراوان است، به گونه‌ای که می‌توان آن را به ۷ دسته اساسی طبقه‌بندی کرد. هر طبقه، شاخه‌های متنوعی از رشته‌های هنری خاص را در دل خود جای می‌دهد که عبارت‌اند از:

۱. هنرهای چوبی: شامل چوتاشی یا لاک‌تراشی، منبت، معرق.
 ۲. هنرهای نساجی سنتی: شامل انواع دست‌بافته‌های سنتی مانند چادرشب، شمد، پتو، حوله، دستمال، سفره، جوراب، جاجیم، گلیم، گلمیچه و لباس‌های سنتی.
 ۳. بافته‌های داری: دست‌بافته‌هایی که با کمک دار افقی - عمودی بافته می‌شوند و خود دو دسته‌اند: پرزدار و بدون پرز.
 ۴. مصنوعات فلزی: شامل مسگری، سفیدگری، آهنگری و ...
 ۵. سفالگری: با استفاده از خاک رس، با روش‌های مختلف (چرخ‌کاری و دستی).
 ۶. حصیربافی: ساخت انواع ظروف و اشیای تزئینی و لوازم خانه مانند زیرانداز، کلاه حصیری و سبد.
 ۷. نمد: محصولات و زیراندازهایی نبافته از جنس کرک و پشم که با متراکم کردن و فشردن الیاف تهیه می‌شوند، مانند کلاه، زیرانداز و پادری. (دادگر، ۱۳۹۰: مقاله ۲ و ۱)
- در زیر به انواع دست‌بافته‌های مردم شرق استان مازندران پرداخته می‌شود:

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۰۱

جدول ۱. حوزه بافندگی شرق مازندران

شهر	بخش	روستا	نوع فرآورده
بهشهر	بانه‌سر، هزارجریب	متکازین	گلیم، گلیمچه، جاجیم، چادرشب، سفره، ساق‌پیچ
		بیشه بنه	گلیمچه، سفره
		کوا	گلیمچه، گلیج، نمد (لمه)، چادرشب
		محمدآباد	ساق‌پیچ، چادرشب، گلیم
نکا	هزارجریب	غریب‌محله	گلیم، گلیمچه، جاجیم، ساق‌پیچ
		پرکلا	گلیم، گلیمچه، جاجیم، ساق‌پیچ، سوزن‌دوزی، خورجین
		زیارت کلا	گلیم (گلیج)، چادرشب، فلزکاری
		واودین	گلیم، جاجیم، جوراب‌بافی
ساری	دودانگه	سوچلما	گلیم، گلیمچه، چادرشب، جوراب‌بافی
		برما	گلیمچه، چادرشب، ساق‌پیچ، جوراب‌بافی
		بندرج	گلیمچه، جاجیم، جوراب‌بافی، چادرشب
		رسکت علیا	گلیمچه، سفره‌بافی، لاک‌سازی، حمام‌سری
ساری	چهاردانگه	بالاده	گلیم، جاجیم، نمد، خورجین، چادرشب
		تلاوک	گلیمچه، سفره، نمد، لاک‌سازی، دستکش
		لنگر	گلیم، حمام‌سری، دستکش
		تلمادره	گلیمچه، دستکش، چادرشب، نمد

(اعظم‌زاده، ۱۳۸۵: ۴)

جاجیم‌بافی

در میان دست‌بافت‌های روستایی، جاجیم از اهمیت بیشتری برخوردار است و کاربردهایی نظیر زیرانداز، پشتی، سجاده، رختخواب‌پیچ، مفرش، پتو، روی کرسی و... دارد.

این هنر در بسیاری از مناطق روستایی از جمله متکازین از توابع بهشهر، بخش دودانگه ساری، آلاشت سوادکوه، کجور، نوشهر و کلاردشت مورد توجه بومیان منطقه است.



تصویر ۱. جاجیم

معرفی و نحوه بافت جاجیم

جاجیم، بافت‌های از پشم تابیده رنگین، بسیار زبر و خشن است که بیشتر برای پیچیدن رختخواب و مانند آن به کار می‌رود. عرض آن، حدود ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است و اغلب اوقات تار و پودش را پشم تشکیل می‌دهد. برای استفاده، به طور معمول چند ردیف جاجیم را کنار هم می‌دوزند تا پهنای مورد نیاز را به دست آورند.

مراحل بافت به این صورت است که به جای پود اضافه بافته‌های دستگاهی از چوب استفاده می‌شود؛ یعنی پس از چند رج ساده‌بافی، چنانچه هنرمند قصد تغییر رنگ پود را داشته باشد، ابتدا به کمک چوب دست‌لت چوب راهنما و بلند کردن برخی از تارها، ردیفی از گل‌های ضربدردی شکل به نام گل‌لت را بر روی کار ایجاد می‌کند و سپس با خوابانیدن مجدد چوب‌لت که پشت‌وردها قرار دارد، به ساده‌بافی با رنگ دیگری می‌پردازد. به این نوع، جاجیم‌لت‌دار می‌گویند. جاجیم دیگری که بافت آن مرسوم است، بدون ایجاد گل، رنگ‌ها را تغییر می‌دهد، به این صورت که چند ردیف پود با رنگ‌های مختلف بدون هیچ مرزی در کنار هم قرار می‌گیرند. این جاجیم که به آن‌لت‌تی می‌گویند، با دستگاه کرک‌چال و شانه بافته می‌شود. (دادگر، ۱۳۹۰: ۵۵)



تصویر ۲. دستگاه کرک چال

رنگ‌ها: در گذشته در جاجیم، از ۶ رنگ غالب قرمز، نارنجی، سبز، مشکی و سفید استفاده می‌شد که بسیار زیبا و درخشان بودند ولی امروزه به دلیل کاربرد نخ‌های کاموا در بافته‌های جدید و همچنین استفاده از رنگ‌های شیمیایی، رنگ‌های دیگری از قبیل زرد، آبی و بنفش نیز اضافه شده است.

نقش: جاجیم این منطقه به طور معمول ساده بافته می‌شود و تنها با تنوع رنگ، چشم‌نوازی خود را حفظ می‌کند. (رستمی، ۱۳۸۵: ۵۳)

معرفی گلیج

گلیج، دست‌بافته‌ای روستایی است که از زمان‌های دور در برخی از مناطق استان مازندران بافته می‌شد. در گذشته، تار و پود آن که در زبان محلی به آن «تونه و وافه» می‌گویند، هر دو از پشم بود و به آن پشم در پشم می‌گفتند؛ اما امروزه بیشتر از نخ‌های صنعتی و یا حتی کاموا در بافت استفاده می‌شود. این بافته بدون پرز که از «بافته‌های داری» به شمار می‌آید، دستگاهی دو وردی دارد که در زبان محلی به آن «کرک چال» و یا «کرت چال» می‌گویند و در تلفظ عامیانه «کرچال» تلفظ می‌شود. دستگاه کرچال دو نوع ثابت و سیار دارد. روند بافت گلیج شباهت‌هایی به دیگر بافته‌های کرچال همانند جاجیم

دارد. شاید به همین دلیل در منطقه سوادکوه آن را نوعی جاجیم می‌پندارند. اما تفاوت عمده و اساسی این دو دست‌بافته، نحوه پودگذاری آن است. گلیج، دست‌بافته‌ای است که پودگذاری آن مرکب و به گویشی مضاعف است. یعنی علاوه بر پودگذاری اولیه که از طریق عبور ماکو از میان تارها صورت می‌گیرد، پودگذاری ثانویه‌ای وجود دارد که تنها از طریق دست انجام می‌شود و همان نقش‌آفرینی بر سطح بافته است، اما جاجیم تنها همان پودگذاری مرحله اول، یعنی دستگاهی را دارد و نقش خاصی بر سطح آن دیده نمی‌شود. گلیج رنگ‌بندی متنوعی دارد که براساس سلیقه و روحیات بافنده محلی انتخاب می‌شود و نقش‌های آن همگی ذهنی و برآمده از اندیشه خلاق بافندگان هستند و از طبیعت و محیط پیرامون الهام گرفته می‌شوند. نقشه‌های این دست‌بافته را از پیش طراحی نمی‌کنند اما برخی که اصیل‌تر هستند، به صورت سینه به سینه از گذشته تا به امروز ادامه یافته‌اند. در گلیج، نقش‌ها همگی شکل هندسی با خطوط شکسته دارند و از خطوط منحنی در آنها اثری دیده نمی‌شود. نقش‌ها کاملاً ساده و انتزاعی هستند و هر آنچه بافنده را تحت تأثیر قرار دهد، به ساده‌ترین شکل، بر سطح بافته اجرا می‌شود، خواه اشیای پیرامون باشد، خواه موجودات و گیاهان اطراف. تکرار نقوش در سطح گلیج را که بسیار چشم‌نواز است، از ویژگی‌های خاص آن می‌دانند و بیشتر نقوش را، به‌ویژه اگر گلیج دو تکه باشد، به صورت قرینه می‌بافند. به هر تکه یا لنگه در زبان محلی، لاپه، شکه یا شقه می‌گویند.



تصویر ۳. گلیج

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۰۵

نحوه بافت گلیج: نحوه بافت گلیج در تمامی مناطق، به تقریب یکسان است و تفاوت‌های اصلی، در نحوه اجرای نقوش، اشکال و ابعاد برخی بافته‌هاست که بیشتر جنبه سلیقه‌ای دارد. عرض گلیج به طور معمول ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر و طول آن ۱ تا ۳ متر است اما به گفته برخی، در متراژ بالاتر هم می‌تواند بافته شود. گلیج در گذشته به عنوان زیرانداز، پتو، کوله‌پشتی، سجاده، کیسه حمام (حمام‌سری) و ... کاربرد داشته و از وسایل مصرفی در زندگی روزانه روستاییان به شمار می‌رفته است اما امروزه بیشتر جنبه تزئینی دارد.

این بافته، محصول دست هنرمندان و بافندگان است که تمامی مراحل را بر اساس آموزه‌های خود طی می‌کنند و در نهایت دست‌بافته‌ای مملو از طرح‌های متفاوت و رنگ‌های زیبا پدید می‌آورند. هنرمندان گلیج‌باف، زنان و دختران روستایی هستند که میراث‌داران نسل‌های گذشته‌اند و این دست‌بافته زیبا را سینه به سینه از مادر به فرزند و از استاد به شاگرد منتقل می‌کنند؛ هر چند که اینک انگشت‌شمارند.



تصویر ۴. گلیج‌بافی

مواد اولیه برای بافت گلیج: الیاف مصرفی در بافت گلیج، پشم است که در مناطق روستایی و کوهستانی به وفور یافت می‌شود. پشم که از دیرباز در انواع دست‌بافته‌های

۱۰۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شهری، روستایی و عشایری کاربرد داشته، بر دو نوع است: پشم بهاره و پشم پاییزه که به گفته روستاییان پشم بهاره مرغوب‌تر و نرم‌تر است.

در گذشته تار و پود بافته گلچ، هر دو از پشم بود اما امروزه به دلیل هزینه بالای پشم و دشواری ریسندگی و رنگرزی آن از الیاف مصنوعی همچون کاموا نیز در روند بافت استفاده می‌شود.

ابزار بافت گلچ: کرک‌چال نام دستگاه بافت در مازندران است که دو نوع ثابت و سیار دارد؛ این دستگاه دو وردی است و از قسمت‌های مجزایی تشکیل شده که عبارت‌اند از:

۱. ستون (پایه) ۲. پیش‌نورد^۱ ۳. پی‌نورد ۴. ورد ۵. شانه ۶. متی ۷. ماکو یا مکو
 ۸. ماسوره ۹. لینگ‌کت (پدال) ۱۰. سلام علیک ۱۱. وچین ۱۲. نی (گاسره) ۱۳. نورد
- گاردن یا (دسته چو)



تصویر ۵. گلچ‌بافی

رنگ و نقش در بافته گلچ: در بافت گلچ انتخاب رنگ‌ها، قانون و قاعده خاصی ندارد و کاملاً سلیقه‌ای است؛ گاه نیز رنگ‌ها بر حسب عادت و تجربه، در کنار هم قرار

1. piš navard

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۰۷

داده می‌شوند. رنگ غالب در بافت، قرمز است که اکثر مواقع به عنوان رنگ زمینه به کار می‌رود؛ نقش‌ها نیز با رنگ‌های دیگر بر سطح بافته دیده می‌شوند.

در حقیقت، بافنده آنچه را از طبیعت درک کرده، در قالب رنگ‌های دلخواه به معرض نمایش درمی‌آورد و روحیات درونی خود را بیان می‌کند.

بافندگان در گذشته از رنگ‌های طبیعی اطراف خود بهره می‌بردند، برای مثال:

رنگ پوست گردو (آغوز کول)، پوست انار (انارکول)، زردچوبه، گزنه، گلی شیبیه زعفران، گل آختی (پلم سر) و رنگ‌های قهوه‌ای و سفید و سیاه نیز رنگ‌های طبیعی پشم گوسفند هستند. در زبان محلی، گوسفند سفید را جمله^۱ و رنگ آن را اسبه زاغ^۲، گوسفند قهوه‌ای را سال و رنگ آن را کهو^۳ می‌نامند. رنگ سیاه نیز سیاه زاغ نامیده می‌شود.

امروزه رنگ‌های آماده‌ای در بازار موجود است که بافندگان از آنها در رنگرزی استفاده می‌کنند؛ حتی برخی، الیاف را نیز رنگ شده و آماده را از بازار خریداری می‌کنند. (رستمی، ۱۳۸۲: ۱۸)



تصویر ۶. کلیج

1. jalmeh
2. asbeh zâq
3. kohu

جوراب بافی (جرب)^۱

بافت جوراب‌های پشمین که از قدیمی‌ترین دستبافته‌ها و هنرهای سنتی این منطقه هستند، هنوز هم در مناطق ییلاقی ادامه دارد و منبع درآمدی مناسب برای خانواده‌ها محسوب می‌شود؛ به ویژه در منطقه آلاشت، جوراب‌های متنوع و رنگارنگی بافته می‌شود که از انواع آن می‌توان به جوراب‌های چکمه‌ای یا ساق‌بلند (که بیشتر برای مردان کاربرد دارد) و جوراب‌های ساق‌کوتاه یا در اصطلاح، محلی «کفشک» (که بیشتر زنان از آنها استفاده می‌کنند) اشاره کرد. در گذشته، جوراب‌ها صرفاً با پشم بافته می‌شدند اما امروزه کاموا نیز در بافت آنها کاربرد دارد.



تصویر ۷. جوراب‌های بافت

در بافت جوراب از پنج میله کوتاه بافتنی استفاده می‌شود که طول هر یک، حداکثر ۱۵ سانتی‌متر است. به تناسب قسمت‌های مختلف جوراب، از دو تا پنج میله برای بافت استفاده می‌شود تا در نهایت جورابی یکدست و بدون درز به دست آید. نقش‌های روی جوراب تنوع بسیاری دارند و هنرمندان بافنده، از توانایی ذهنی خود در نقش‌اندازی جوراب بهره می‌برند. (رستمی، ۱۳۸۵: ۷۰)

1. jereb

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۰۹

سفره

در گذشته برای نگهداری نان در منازل، محل کار، مزرعه و ... از پارچه‌ای ساده و به طور معمول سفیدرنگ استفاده می‌شد که سفره نام داشت. چوپانان، کشاورزان و ... هر روز صبح قطعه نانی در سفره می‌پیچیدند و به همراه خود به صحرا و دشت می‌بردند تا به وقت نیاز استفاده کنند. سفره در اغلب موارد تزیینات خاصی نداشت مگر چند ردیف نخ رنگی در حاشیه و یا شیوه‌های بافت چهار وردی که باعث ایجاد طرح در بافت پارچه می‌شد. امروزه نیز در مناطق روستایی کم و بیش از سفره‌های پارچه‌ای استفاده می‌کنند.



تصویر ۸. سفره

بافت سفره در اغلب مواقع دو وردی ساده است اما گه‌گاه به صورت چهار وردی (جناغی) نیز بافته می‌شود. در برخی موارد نیز از چادرشب‌های پنبه‌ای به عنوان سفره استفاده می‌کنند.

همان گونه که گفته شد، سفره به طور معمول، سفید ساده است، اما بافت جناغی پارچه خود طرحی زیبا است. گاه نیز سفره‌هایی با طرح چهارخانه ساده بافته می‌شود. (همان: ۴۳)

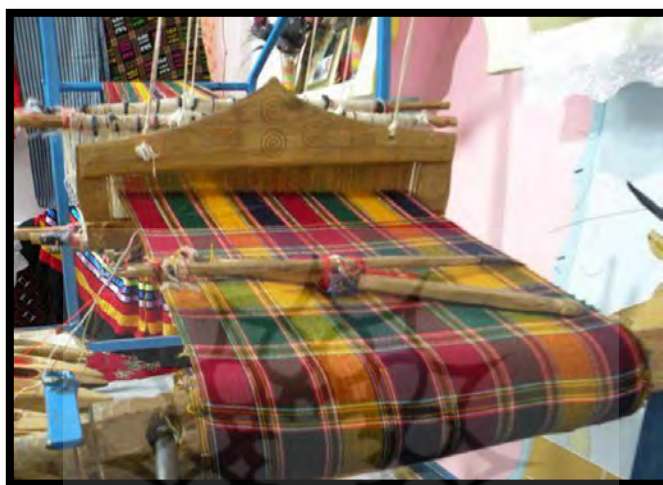
چادرشب

چادرشب بافی که در مازندران به آن *لاون بافی*^۱ می‌گویند، هم‌اکنون در شهرهای رامسر، آلاشت، لفور و هزارجریب به‌شهر رواج دارد. تولیدکنندگان اصلی چادرشب زنان روستایی‌اند که با استفاده از نخ‌های ابریشمی رنگارنگ، چادرشب‌هایی با رنگ‌های زنده و شاد می‌بافند. چادرشب به طور معمول در

1. lāvanbâfi

۱۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اندازه‌های ۲ در ۲ متر با زمینه قرمز و طرح‌های مشبک و چهارخانه، نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی بافته می‌شود. چادرشب را برای جلوگیری از سرایت رطوبت به بدن دور کمر می‌بستند و به‌عنوان رختخواب، رو جهازی دختران، روتختی و یا جانماز استفاده می‌کردند.



تصویر ۹. چادرشب

روانداها: پتو (جاجیم چپری)^۱

پتو در واقع همان جاجیم است که با الیاف ضخیم می‌بافند و پس از مراحل خاص آماده‌سازی نهایی، در فصل‌های سرد سال به عنوان رواندا از آن استفاده می‌کنند. پتوبافی را می‌توان به عنوان هنری میان‌رشته‌ای نگریست؛ زیرا از دو روش پارچه‌بافی و نمدمالی توأمان در تهیه آن استفاده می‌شود.

بافت پتو در واقع، به همان روش جاجیم است، با این تفاوت که با چهار ورد بافته می‌شود و طرح بافت، حالت هفت و هشت دارد. هنگام بافت نیز از همین قانون «پی و پیش» برای حرکت دادن وردها استفاده می‌کنند و وردها به صورت جفت بالا و پایین

1. jājim čapari

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۱۱

شده بود از میان تارها رد می‌شوند؛ به این ترتیب، طرح به دست آمده، حالت جناغی یا هفت و هشت پیدا می‌کند. در بافت جاجیم چپری که علاوه بر پتو به عنوان رختخواب پیچ و یا پرده برای فصل‌های سرد نیز استفاده می‌شود، تنها یک سیستم پود کاربرد دارد و برای تزیین بیشتر، فقط از رنگ‌های مختلف تار و پود استفاده می‌شود. تراکم تار و پودی این نوع بافت، سبب ایجاد تنوع رنگ در بافته‌ها می‌شود.



تصویر ۱۰. جاجیم چپری (روانداز)

گلیمچه متکازین^۱

از کهن‌ترین دست‌بافته‌های سنتی ویژه روستای متکازین، گلیمچه است که بر روی دستگاه پارچه‌بافی به شیوه دو وردی بافته می‌شود. این محصول را در مناطق مختلف مازندران با نقش‌ها، طرح‌ها و نام‌های متفاوت تولید می‌کنند. اما در نهایت شیوه کار در همه جا یکسان است.

گلیمچه متکازین یکی از اصیل‌ترین بافته‌های مازندران است. طول این گلیمچه از ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متر و عرض آن از ۶۰ تا ۹۰ سانتی‌متر متغیر است. بافندگان برای

1. metkâzin

۱۱۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

داشتن گلیمچه‌ای با عرض بیشتر، قطعات آن را از طول (پهلوی) به هم می‌دوزند. تار گلیمچه متکازین از نخ پنبه‌ای با نمره ۲۰ دوازده لا و پود آن از پشم ۵ دولا تهیه می‌شود. اما در گذشته تار و پود هر دو را از نخ پشمی تهیه می‌کردند. رنگ‌های مورد استفاده برای بافت نقوش نیز شاد و متنوع‌اند؛ مانند قرمز، سبز، نیلی، سرمه‌ای، زرد و مشکی. متأسفانه زمینه گلیمچه‌های امروزی بیشتر لاک‌ی رنگ است و مانند گذشته تنوع رنگی ندارد. این گلیمچه را با دستگاه‌های سنتی بافندگی که در گویس محلی به آن «چاله» می‌گویند، می‌بافند. ساختمان چاله با اندک تفاوتی تقریباً با تمامی دستگاه‌های بافت دستی مشابه است

درباره موارد مصرفی متعدد گلیمچه‌های متکازین و جایگاه فعلی آن می‌توان گفت: در متکازین بیشتر از گلیمچه به عنوان زیرانداز، رختخواب پیچ، رویه کرسی، پادری و خورجین استفاده می‌کنند ولی به دلیل محدود بودن رنگ، متأسفانه در خانه‌های امروزی گلیمچه‌ها جایگاهی ندارند، در صورتی که می‌توان با تغییر رنگ و حتی الیاف مورد استفاده، علاوه بر صادرات، از این دستبافت به عنوان روتختی، رویه مبل، کوسن، رومیزی و کیف هم استفاده کرد.

معرفی و طبقه‌بندی نقوش

ریشه‌یابی و تعیین زمان و محل ظهور نقوش گلیم و گلیمچه‌های یک ناحیه دشوار است زیرا همواره بر اثر تبادلات فرهنگی، طرح‌های ابداعی و نقوش یک دسته‌بافته از منطقه‌ای به منطقه دیگر انتقال یافته است. با این حال، بررسی اسامی نقوش، طبقه‌بندی و مطالعه شیوه‌های شکل‌گیری آنها ما را تا حدودی به زندگی و ذهنیات بافندگان و مصرف‌کنندگان بومی آنها هدایت می‌کند.

با نگاهی به طرح‌های ترسیمی و نقوش پدید آمده در گلیمچه‌های سنتی مازندران می‌توان به فضای ذهنی، نیاز بافندگان و اقتباس آنها از شکل زمین‌های زیر کشت، طرح درختان، ساقه‌ها، گیاهان و حیوانات پی برد. تأثیر از طبیعت و شیوه‌های بهره‌گیری از

دست‌بافته‌های بومی استان مازندران؛ با تأکید بر شرق و مرکز مازندران ❖ ۱۱۳

ظاهر آن، همچنین اقتباس از برخی نقوش اقوام همجوار، تقریباً در گلیمچه‌های همه مناطق این استان به طرز مشابه دیده می‌شود. نقش‌های گلیمچه متکازین کاملاً سنتی و بیشتر، برگرفته از طبیعت اطراف بافنده است. در بافت این گلیمچه، نقشه کاربردی ندارد و به طور معمول، بافنده کار را به صورت ذهنی انجام می‌دهد. تمامی نقش‌ها و طرح‌های گلیمچه‌های متکازین دارای معانی خاصی بوده‌اند اما متأسفانه امروزه از فلسفه بعضی از این نقوش و نامگذاری آنها اطلاعی در دست نیست و بافنده به دلیل سنتی بودن طرح‌ها و به طور موروثی از آنها استفاده می‌کند.



تصویر ۱۱. بافت گلیمچه متکازین

جمع‌بندی

با گذشت زمان و تحولات پدید آمده در سبک زندگی مردم، نه تنها شیوه تفکر انسان‌ها بلکه بسیاری از سنت‌ها، دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است که آن را می‌توان ناشی از تهاجم فرهنگ‌های بیگانه و پیامد زندگی ماشینی دانست. بسیاری از افراد آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر رسانه‌های جمعی، بویژه مطبوعات، سینما، ماهواره و

سپس اینترنت، با تبلیغات آشکار و پنهان، مدل‌های غربی را رواج داده‌اند و تا جایی پیش رفته‌اند که به تدریج، پوشاک محلی هر منطقه را جز در موزه‌ها و مراسم نمادین و یا صندوقچه مادر بزرگ‌ها نمی‌توان یافت.

زمانی مواد اولیه دست‌بافته‌ها را تولید و از آنها انواع وسایل ضروری و تزئینی منازل را تهیه می‌کردند. اما به تدریج، صنعتی شدن ابزار، هویت منطقه‌ای را دچار تغییر کرد. امروزه با وجود فناوری‌های جدیدی که در صنعت نساجی، هر روز توسعه می‌یابد، عامه مردم میل و رغبت چندانی به حوزه صنایع دستی، بویژه دست‌بافته‌های سنتی نشان نمی‌دهند، در صورتی که با برنامه‌ریزی صحیح و توجه به محصولات صنایع دستی و گردشگری در رسانه‌ها بخصوص صداوسیما، می‌توان در راه رشد و اعتلای این صنعت، گام‌های اساسی برداشت و رونق دوباره‌ای به آن بخشید. با وجود وارداتی بودن مواد اولیه صنعت نساجی، به دلایل مختلف، اولاً، مواد اولیه دست‌بافته‌ها همچنان در مناطق روستایی یافت می‌شود و ثانیاً، این صنعت ایجاد اشتغال برای خانواده‌های روستایی و شهری را به دنبال دارد. از سوی دیگر، با توجه به بیکاری دامن‌گیر جامعه، رشد و اعتلای چنین صنعتی می‌تواند گامی اساسی در رفع بیکاری و رونق اقتصادی خانواده‌ها باشد.

توجه به دست‌بافته‌های محلی مازندران که جنس و نقش متنوعی دارند و می‌توانند با اندک تغییراتی، با سلیقه امروزی مردمان مطابقت پیدا کنند، در ایجاد هویت و مقاوم‌سازی فرهنگی نقش مؤثری خواهد داشت. بافته‌های محلی که از تولیدات محلی بهره می‌برند، محصولاتی سبز قلمداد می‌شوند که در بسیاری از جوامع بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرند و حتی می‌توانند صادر شوند.

منابع

- اعظم‌زاده، محمد (۱۳۸۵). نگاهی به نشانه‌های تصویری در گلیم و گلیمچه‌های مناطق شرق استان مازندران. ساری: دانشگاه مازندران.
- دادگر، آتنا (۱۳۹۰). صنایع‌دستی استان مازندران. ساری: اداره کل میراث فرهنگی گردشگری و صنایع‌دستی استان مازندران.
- رستمی، مصطفی (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال بخش صنایع‌دستی استان مازندران. ساری: دانشگاه مازندران.
- _____ (۱۳۸۵). «بررسی دست‌بافته‌های سنتی استان مازندران». گزارش پژوهشی. ساری: واحد پژوهش صدا و سیما مرکز مازندران.
- رضایی، جمشید (۱۳۸۹). «صنایع‌دستی استان مازندران». گزارش پژوهشی. ساری: واحد پژوهش صدا و سیما مرکز مازندران.
- رضایی، سامره (۱۳۹۷). جوراب‌بافی سنتی مازندران و تأثیر فرهنگ بومی بر نقشمایه‌های تزئینی. اردکان: دانشگاه علم و هنر اردکان.
- ملایی کندلوسی، محمدحسین (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان تبری. تهران: کتابخانه ملی ایران.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی